

زمینه‌های عرفانی است (همو، «ادیب»، ۳۶۱). ذکر داستانها و پاره‌ای از حوادث تاریخی دوره فتحعلی شاه تا اوایل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار به ارزش دیوان او می‌افزاید (همانجا). از آن میان می‌توان به قصیده مؤثر او در وصف زلزله قمصر اشاره کرد (شیبانی، ۲۶۱).

اثر دیگر وی تاریخ مختصر ایران و یا به نوشته دانش پژوه، تاریخ ایران است که به ناصرالدین شاه تقدیم شده است (مرکزی، ۲۰۷۰/۱۱). این دو اثر او هنوز به طبع نرسیده است (نک: شیبانی، ۲۶۲).

مآخذ: شیبانی، رحمت الله، خاندان شیبانی (کاشان)، به کوشش فرامرز طالبی، تهران، ۱۳۷۱ ش؛ مجیر شیبانی، علی محمد، تاریخ شیبانی، تهران، ۱۳۲۱ ش؛ مرکزی، خطی؛ نراقی، حسن، «ادیب شیبانی کاشانی»، بیما، تهران، ۱۳۳۹ ش، ش ۱؛ همو، «تجلیات هنری خط زیبای فارسی»، هنر و مردم، تهران، ۱۳۴۹ ش، ش ۹۳.

تبر علی رودگر

آدیپ صابر ترمذی، شهاب‌الدین صابر بن اسماعیل (مق‌ نیمه اول سده ۶ق/نیمه اول سده ۱۲م)، شاعر پارسی زبان و ستایشگر سنجر سلجوقی و آتسز خوارزمشاه.

او در خاندانی اهل علم و ادب زاده شد. چه پدر وی نیز ادیب اسماعیل شهرت داشت (هدایت، ۸۲۷/۲؛ فروزانفر، ۲۴۰؛ قویم، ۳). تذکره‌نویسان درباره محل تولد وی اختلاف کرده‌اند، دولتشاه (ص ۷۳) او را از بخارا، و برخی دیگر چون رازی (۸۶/۲) و کازرونی (ص ۳۴) وی را از ترمذ دانسته‌اند و به گفته تقی‌الدین کاشانی در خلاصه الاشعار ادیب در بخارا نشو و نما یافته، اما اصل وی از ترمذ است. صابر در آغاز جوانی برای تحصیل به هرات رفت (زنوزی، ۷۵؛ آذر، ۳۳۵). سپس راهی نیشابور شد و در زمره مصاحبان ابوالقاسم علی بن جعفر، نقیب ترمذ در نیشابور درآمد و در اشعار خویش به ستایش او پرداخت (بیهقی، ۵۷۴/۲؛ دولتشاه، همانجا؛ هدایت، ۸۲۲/۲؛ فروزانفر، ۲۴۳).

ابوالقاسم علی بن جعفر که به سبب نفوذ بسیار خود رئیس خراسان خوانده می‌شد، با سلطان سنجر سلجوقی و دربار او ارتباط نزدیک داشت، چنانکه سنجر او را برادر خطاب می‌کرد (بیهقی، همانجا؛ دولتشاه، ۷۳-۷۴؛ آذر، ۳۳۶؛ زنوزی، همانجا). ادیب نیز به یاری وی به دربار سنجر راه یافت. دیری نپایید که ادیب نزد سلطان منزلتی یافت و در کنار مدیحه‌سرایی به امور سیاسی نیز کشانده شد، چنانکه پس از اختلاف میان آتسز خوارزمشاه و سلطان سنجر که به جنگی بزرگ در ۵۳۸ق/۱۱۴۳م، و شکست آتسز انجامید، ادیب صابر همراه با پیامها و نصایحی از سوی سنجر به عنوان سفیر و به گفته برخی برای جاسوسی به خوارزم گسیل شد (جونی، ۷/۲-۸؛ خواندمیر، ۵۱۹/۲؛ دولتشاه، رازی، آذر، همانجاها). اما این سفر به قتل ادیب انجامید، زیرا وی سلطان سنجر را از توطئه آتسز برای قتل سلطان آگاه ساخت و آتسز دستور داد او را در جیحون غرق کردند (همانجاها). قصایدی از ادیب در ستایش آتسز برجای مانده که ظاهراً مربوط به این زمان، یعنی حضور ادیب در دربار خوارزمشاه است.

مسافرت و ادیب در آن کوشش داشته که احساسات و عواطف دختری نقاش را تصویر کند (نک: فروزانفر، همانجا).

افزون بر اینها ادیب منظومه ناتمام زهره و منوچهر سروده ایرج میرزا را نیز به پایان رسانده است (پارسا، همانجا).

به گفته ابوالحسنی، شماری از دست‌نویسهای ادیب که حاصل پژوهش او در زمینه‌های گوناگون بوده، در حیات او توسط یکی از خدمتگزارانش که قصد فروش آنها را داشته، ربوده شد و دیگر اثری از آنها به دست نیامد (ص ۲۲۳-۲۲۴).

مآخذ: آیین بور، یحیی، از صبا تا نیما، تهران، ۱۳۵۵ ش؛ آقابزرگ، طبقات اعلام الشیعة، قرن ۱۴، مشهد، دارالمرتضی؛ ابوالحسنی، علی، آینه‌دار طلعت یار، تهران، ۱۳۷۲ ش؛ ادیب یشاوری، احمد، دیوان، به کوشش علی عبدالرسولی، تهران، ۱۳۶۲ ش؛ همو، قیصرنامه، نسخه خطی کتابخانه مجلس، ش ۵۵۷۳؛ اسحاق، محمد، سخنوران نامی ایران در تاریخ معاصر، تهران، ۱۳۶۳ ش؛ بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، تهران، ۱۳۵۳ ش؛ برقی، محمدباقر، سخنوران نامی معاصر، تهران، ۱۳۲۹ ش؛ پارسای توسرکانی، عبدالرحمان، «خاطره‌های ادبی»، وحید، تهران، ۱۳۵۰ ش، س ۹، ش ۳؛ جعفری، مرتضی، «احوال و اشعار ادیب یشاوری»، هلال، کراچی، ۱۳۵۰ ش، س ۱۸؛ دائرة المعارف آریانا، کابل، ۱۳۴۱ ش؛ رشید یاسمی، غلامرضا، ادبیات معاصر، تهران، ۱۳۵۲ ش؛ سپهر، عباده تلی، ایران در جنگ بزرگ، تهران، ۱۳۳۶ ش؛ سدیدالسلطنه، محمدعلی، سفرنامه، به کوشش احمد اقتداری، تهران، ۱۳۶۲ ش؛ شفیع کدکنی، محمدرضا، «ادیب یشاوری در حاشیه شعر مشروطه»، زندگی و اشعار ادیب یشاوری، به کوشش یدالله جلالی پندری، تهران، ۱۳۶۷ ش؛ عبدالرسولی، علی، مقدمه و تعلیقات بر دیوان ادیب یشاوری (هم)؛ عبرت نایینی، محمدعلی، نامه فرهنگیان، نسخه خطی کتابخانه ملی ملک، ش ۴۳۲۷؛ غنی، قاسم، یادداشتها، به کوشش سیروس غنی، تهران، ۱۳۶۷ ش؛ فروزانفر، بدیع الزمان، ادیب یشاوری (سخنرانی ۱۳۴۹ق)، نسخه خطی کتابخانه مرکز، ش ۱۳۱۳؛ همو، «سرگذشت»، مجموعه گفتارها، به کوشش قاسم صافی، تهران، ۱۳۵۷ ش؛ قزوینی، محمد، بیست مقاله، به کوشش عباس اقبال آشتیانی و ابراهیم پورداود، تهران، ۱۳۶۳ ش؛ همو، «یادداشتهای تاریخی»، یادگار، تهران، ۱۳۳۴ ش، س ۳، ش ۱؛ کامران، مرتضی، «علامه ادیب یشاوری»، گوهر، تهران، ۱۳۵۳ ش، س ۲، ش ۴؛ معلم حبیب آبادی، محمد علی، مکارم الآثار، اصفهان، ۱۳۳۷ ش؛ مزوزی، خطی؛ مینوی، مجتبی، «سخنان»، مجموعه گفتارها، به کوشش قاسم صافی، تهران، ۱۳۵۷ ش؛ نیز: EI.

علی میرانصاری

آدیپ شیبانی کاشانی، احمد، شاعر و مورخ ایرانی عصر قاجار. وی در خانواده‌ای از عارفان امامی مذهب در کاشان زاده شد (مجیر، ۵۰). تاریخ تولد و درگذشت او دانسته نیست. از قصیده وی درباره تعمیر باغ شاه فین کاشان در ۱۲۲۵ق (نک: شیبانی، ۲۶۲، که ۱۲۶۵ق ذکر کرده است) و نیز از کتاب تاریخ ایران که در ۱۲۶۵ق به ناصرالدین شاه تقدیم داشته است، دانسته می‌شود که وی در این سالها به شاعری و نویسندگی می‌پرداخته است (نراقی، «ادیب...»، ۳۶۱-۳۶۲).

ادیب شیبانی در علوم عقلی و نقلی متبحر بود و در فنون ادبی، تاریخ، ریاضیات، هیأت و نجوم، زبان عربی و عبری و خوشنویسی، مهارت داشت (مجیر، ۵۴؛ نراقی، همان، ۳۶۱، «تجلیات...»، ۴۳) و به فارسی و عربی شعر می‌سرود. دیوان اشعار او مشتمل بر قریب ۵ هزار بیت در قالب قصیده و غزل است و حاوی موضوعاتی در تفسیر آیات، احادیث و